

سید آریا قریشی

یکی از نظراتی که عموماً در مطالب ستایش آمیز مربوط به گروهی از بازیگران بزرگ تاریخ سینمای ایران (به عنوان مثال زنده یادان جمشید مشایخی و خسرو شکیبایی) تکرار می شود، تواضع آن ها است. چه در گفت و گوهایی که این بزرگان در طول دوران پر بار حیات خود انجام دادند و چه در حضورشان در مجامع عمومی، بعید است نمونه‌ای به یاد بیاوریم که آن ها خودشان را به اصطلاح، «گرفته باشند». در ادبیات محاوره‌ای، این ویژگی را عموماً با عناوینی چون «خاکی بودن» مورد اشاره و تحسین قرار می دهیم. اما آیا فروتنی باید به عنوان یک ویژگی مثبت برای بازیگران در نظر گرفته شود؟

از یک طرف، ایس و ویژگی نباید روی اعتماد به نفس بازیگر هنگام حضور جلوی دوربین اثر منفی بگذارد. بازیگر هنگام حضور جلوی دوربین باید از این مطمئن باشد که می تواند نقش را به باورپذیرترین و مناسب ترین شکل ممکن ایفا کند. کوچک ترین لرزلی خودش را در کیفیت نقش آفرینی بازیگر نشان می دهد. پس اگر فروتنی ذاتی یک بازیگر به اعتماد به نفس او در مقابل دوربین ضربه بزند، نمی تواند یک ویژگی مثبت قلمداد شود.

با این وجود اوضاع پشت دوربین متفاوت است. نباید فراموش کرد که در بسیاری از موارد، تصویر بیرونی شکل گرفته در مخاطب عام، تأثیر خود را در واکنش او به نقش روی پرده هم نشان می دهد. در سال های اخیر، متأسفانه بسیاری از جلوه های خاکی بودن به ژست هایی در مقابل دوربین محدود شده است. بسیاری از مخاطبان هم می توانند این عدم اصالت را تشخیص دهند. بازیگری که در ذات خود فروتن باشد، نیازی به این ندارد که فروتنی را بازی کند. برخی از

ستاره ها در اکران های مردمی با لبخندی گشاده ظاهر می شوند و با مهر بانی به تقاضای گرفتن عکس یادگاری از مردم پاسخ مثبت می دهند اما در اکثر موارد دیگر، راز موفقیت را در دور بودن از مردم می دانند. این دسته از چهره های مطرح، به شکل گزینشی از مردم استفاده می کنند: وقتی به مردم نیاز داشته باشند قربان آن ها هم می روند و وقتی نیاز نداشته باشند مردم را مشت می آدم کم دانش و سطحی قلمداد می کنند. گسترش شبکه های اجتماعی این شکاف را عمیق تر کرده است. آیا نیازی به این هست که مثال هایی از این رفتار توهین آمیز و گزینشی را ذکر کنیم؟ حالا با گروهی روبه رویم که برای ژست های اینستاگرامی اهمیت بیشتری قائل هستند تا یک رابطه واقعی با مردم؛ تازه واردهایی که تنها بعد از یک فیلم یا سریال موفق احساس می کنند آل پاچینو یا مریل استریپ هستند.

در چنین شرایطی باید به افرادی چون پژمان جمشیدی احترام گذاشت. پیشینه حرفه ای جمشیدی به عنوان یک بازیکن فوتبال و تبدیل شدن به یک ستاره در عرصه بازیگری با سریال «پژمان» تأثیری دوگانه بر مسیر حرکت او گذاشته است. از یک طرف جمشیدی توانسته نقش های متنوعی را در تعدادی از آثار مهم این سال ها (چه از لحاظ جایگاه تجاری و چه استقبال مخاطبان خاص سینما) بازی کند و از سوی دیگر، مسیر جدی گرفته شدن او بیش از اندازه متعارف به طول انجامیده است. شاید بتوان دلیل این طولانی شدن را در تصویری جست که در سریال «پژمان» از کاراکتر پژمان جمشیدی (که طبعاً اقتباسی نعل به نعل از خود جمشیدی نبوده) جست و جو کرد. آن تصویر، مبتنی بر هجو تصویر ساخته شده از جمشیدی به عنوان فوتبالیستی با یک گل ملی بود. آن چه

در «پژمان» می دیدیم، تصویری از یک فرد شکست خورده بود که شهرت زیادی داشت، اما اعتبار چندانی به دست نیاورده بود. فروتنی جمشیدی باعث می شد مشکلی با ساختن این تصویر نداشته باشد و به سادگی با خودش شوخی کند. اما به نظر می رسد خیلی از ما، به اشتباه، آن تصویر ساخته شده را به زندگی واقعی جمشیدی هم تعمیم داده و او را، آن قدر که شایستگی اش را دارد، جدی نگرفته ایم. شاید به همین دلیل است که موفقیت تکرار شونده جمشیدی در آثار کمدی را صرفاً به طنز ذاتی اش نسبت داده ایم و چشم به روی موفقیت هایش در آثار غیر کمدی بسته ایم.

ظاهراً پذیرش این نکته برای خیلی از ما دشوار است که بازی در آثار کمدی کار بسیار پیچیده ای است. قطعاً یک بازیگر موفق آثار کمدی باید از نوعی طنز ذاتی بهره مند باشد اما نمی توان صرفاً با تکیه به این ویژگی غیر اکتسابی در حوزه طنز دوام آورد. بازیگران زیادی داشته ایم که در دوره ای نقش آفرینی های موفق در آثار کمدی داشته اند اما خیلی زود به حاشیه رفته و به تکرار افتاده اند. چه بسیارند چهره هایی که در یک بازه زمانی کوتاه به ستاره های محبوب عموم مخاطبان تبدیل شده اند اما مدت هاست که نمی توان روی نام آن ها برای جلب مخاطب حساب چندانی باز کرد. در چنین شرایطی، جمشیدی نزدیک به یک دهه است که تقریباً به طور مستمر دارد در آثار کمدی بازی می کند؛ آثاری که در اکثر موارد توانسته اند فروش خوبی داشته باشند و جایگاه جمشیدی را به عنوان یکی از ستاره های سینمای تجاری ایران تثبیت کنند. این استمرار، اتفاقی نیست. فارغ از کیفیت فیلم ها، جمشیدی بازیگری است که عموماً توانسته گلیم خود را از



پیشینه حرفه ای جمشیدی به عنوان یک بازیکن فوتبال و تبدیل شدن به یک ستاره در عرصه بازیگری با سریال «پژمان» تأثیری دوگانه بر مسیر حرکت او گذاشته است. از یک طرف جمشیدی توانسته نقش های متنوعی را در تعدادی از آثار مهم این سال ها (چه از لحاظ جایگاه تجاری و چه استقبال مخاطبان خاص سینما) بازی کند و از سوی دیگر، مسیر جدی گرفته شدن او بیش از اندازه متعارف به طول انجامیده است

